

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۰۴

جمعه ۳ اسفند ۱۳۹۷، ۲۲ فوریه ۲۰۱۹

فعالیت های مینا احدی از چشم کسی نمیتواند پنهان بماند

خلیل کیوان

این تیتیر مطلبی است که یکی از مشهورترین ژورنالیست های آلمانی بنام فرانک آمایر در باره فعالیت های مینا احدی در روزنامه Cicero بتاريخ سه شنبه ۱۹ فوریه نگاشته است. ترجمه آنرا در صفحه 3 دنبال کنید. صفحه ۲



تصویری از سالن محل سخنرانی مینا احدی در برمن

جنبش نوین زن و ۸ مارس

شهلا دانشفر



هشت مارس امسال مهر شرایط متحول امروز جامعه را بر خود دارد. در شرایطی که بیش از هر وقت فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی به شعارهای اعتراضی مردم در کف خیابان تبدیل شده است، در شرایطی که بازنشسته، معلم، کارگر و مردم معترض وقتی تجمع میکنند حکم به نابودی بساط سرمایه داری وحشی حاکم داده و با شعارهای "حکومت سرمایه دار مفتخور نمیخوایم"، "حکومت سرکوب، زندان ، شلاق نمیخوایم"، "سوسیالیسم را فریاد میزنند، هشت مارس که اساسا روز ما انسانهای آزادیخواه و برابری طلب، روز ما کمونیستها و روز کيفخواست علیه ستم و جنایت علیه زن به عنوان صفحه ۹

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۵

کنفرانس ورشو اهداف، واکنش ها و صف بندیها

علی جوادی

صفحه ۷

گرامی باد چهل سال نبرد شورانگیز زنان علیه جمهوری اسلامی! حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۲



به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید

صفحه ۱۳

شنبه ۴ اسفند، ۲۳ فوریه، اعتراض سراسری در خارج کشور در حمایت از کارگران دستگیر شده، معلمان، زندانیان سیاسی و محکوم جنایات رژیم

صفحه ۱۴

اطلاعیه ها در صفحات ۱۱ تا ۱۴

انجمن مارکس کانادا برگزار می کند:

کمونیسم چگونه در ایران پیروز میشود؟

ارائه دهنده: حمید تقوایی



موضوعات مورد بحث در این سمینار:

- جنبشهای طبقاتی، جنبشهای اعتراضی و جنبش سرنگونی
- ویژگیهای شرایط انقلابی در سطح عمومی و در اوضاع سیاسی مشخص ایران
- دولتها و بلوک بندیهای بورژوازی جهانی و تحولات انقلابی در ایران
- طبق و اکثریت و راست و چپ در جامعه
- خصلت همگانی و سلبی جنبش سرنگونی و دینامیسم
- شکستگیری انقلاب
- پیش شرطهای پیشروی و پیروزی انقلاب سوسیالیستی

شنبه ۲ مارس ۲۰۱۹ از ساعت ۲:۳۰ تا ۵:۳۰ بعد از ظهر

مکان: اتاق شماره ۲ نورت پورک سیویک سنتر، تورنتو



فعالیت های مینا احدی از چشم کسی نمیتواند پنهان بماند

خلیل کیوان

تاریخساز نقش بسیار اساسی و ارزشمندی را در روشنگری و پس زدن جریانات ارتجاعی اسلامی و حامیان غربی آنها و رسوا کردن تئوریهای نسبیست فرهنگی داشت. این تلاش ها کمک کرد تا کم کم صداهای بیشتری علیه اسلاميون و در دفاع از ارزشهای جهانشمول شنیده شد. در نتیجه این فعالیت ها غربی ها دریافتند که مینا احدی و همزمان او از مدافعین پرشور ارزش های فرهنگی مدرن، پیشرو و انسانی در غرب هستند. دلیل اساسی توجه به کارها و فعالیت های مینا احدی در اینجا نهفته است.

علاوه بر این، اوضاع سیاسی ایران، نگاه ها را در غرب و از جمله در آلمان بخود معطوف کرده است. عطش و علاقه به دانستن و شنیدن حقایق در مورد روند تحولات سیاسی در ایران بیش

کشورهای اسلام زده محدود نماند، فراتر رفت و به سایر کشوره و از جمله به غرب نیز سرایت کرد و به یک معضل بدل شد. رشد جریانات اسلامی در این کشورها با افزایش تعرض به حقوق زنان، کودکان، همجنسگرایان، بی خدایان، آزاداندیشان و تروریسم همراه شد. آفت اسلام سیاسی غرب را هم آلوده کرد. آفت زدایی یک ضرورت شد.

در مقابله با این آفت، فعالین کمونیسم کارگری و مینا احدی طی سه دهه گذشته در آلمان و دیگر کشورهای غربی جسورانه به مقابله با اسلام سیاسی و حامیان غربی آنها دست زدند. آنها علیرغم محدودیتها، دشواریها، فشارها و تهدیدات بسیار، فعالیت های گسترده ای را در مقابله با هیولای اسلامی در دستور گذاشتند و به پیش بردند. این فعالیتهای

مینا احدی چهره شناخته شده ای نه فقط در اپوزیسیون و برای میلیونها نفر از مردم ایران، بلکه برای عده بسیاری از روشنفکران و شهروندان دیگر کشورها و از جمله در آلمان است. آن دسته از مردم غرب که بطور ویژه مسائل ایران را دنبال میکنند، مینا احدی را میشناسند. اما عجیب اینکه کارهای او که در آلمان و برخی کشورهای دیگر با استقبال مواجه شده است، بسیار کمتر مورد توجه و عنایت رسانه های فارسی زبان (بجز چند استثناء) قرار گرفته است. رسانه های فارسی زبان دولتی کشورهای غربی تقریباً چشم خود را بر همه این فعالیت ها بسته اند. اما چرا مینا احدی چنین مورد توجه قرار گرفته است و چرا رسانه های فارسی این دولت ها چشم شان را بر این فعالیت ها بسته اند؟ به اینها میپردازیم.

رسانه ها به فعالیت های مینا احدی فقط ناشی از رویکرد دولت هایی است که بودجه این رسانه ها را تامین میکنند. در حالیکه این رسانه ها کوچکترین اقدام و حتی ابراز نظر شخصیت های کمپ متعلق به جریانات راست و شخصیت های ملی-اسلامی را خیر میکنند و با آب و تاب منعکس میکنند، از انعکاس فعالیت های مینا احدی چشم می پوشند. به این خاطر دور از واقعیت نیست اگر گفته شود که این رسانه ها در کمپ معینی از کشمکش های سیاسی ایران قرار دارند و بیش از اینکه رسانه باشند همچون حزب سیاسی عمل میکنند.

طی سالهای گذشته کمتر هفته ای بوده است که شاهد یک یا چند اقدام مینا احدی در دفاع از حقوق مردم ایران و در مقابله با اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی نبوده باشم. او زندگی خود را وقف مبارزه با جمهوری اسلامی و دفاع از حقوق زنان، زندانیان سیاسی، محکومین به اعدام و سنگسار و غیره کرده است. کمپین های قدرتمندی در دفاع از زندانیان سیاسی، محکومین

از پیش گسترش میابد. دعوت از مینا احدی به جلسات متعدد سخنرانی، پانل، گفتگو و مصاحبه که موضوعات متعددی را در برمیگیرد، از موضوع فعالیت های او در آلمان فراتر رفته است و بخشی از این برنامه ها معطوف به اوضاع سیاسی ایران شده است. او به این ترتیب از تریبونها و فرصت هایی که یافته است، قرائت کمونیست ها از اوضاع سیاسی ایران را بازتاب میدهد و به این ترتیب عملاً به یک سخنگوی چپ و کمونیسم در این فرصت ها بدل شده است. این هم دلیل دیگری است که عطف توجه به فعالیت های مینا احدی در این دوره شده است.

و بلاخره فرهنگ بازتر و سنت پایدارتر آزادی بیان در کشورهای غربی و در آلمان باعث میشود که رسانه های آلمانی زبان روی خوشتری به فعالیت های مینا احدی در مقایسه با مدیای فارسی همین کشورها که توسط کارکنان ایرانی شان اداره میشوند، داشته باشند. اینجاست که نمی توان پذیرفت که بی توجهی این

نمایش فیلم فرزندان خلیفه برنده جوایز مختلف سینمایی و پانل در کلن آلمان

نمایش فیلمی در شهر کلن آلمان که جوایز مختلفی را در جشنواره های سینمایی نصیب خود کرده و برای جایزه اسکار نیز معرفی شده است. فرزندان خلیفه فیلمی در مورد فعالیتهای داعش در سوریه و با حضور طلال درکی کارگردان و رودی تارندن سخنگوی مطبوعاتی یونسف و مینا احدی از نهاد اکس مسلم و همچنین میترا موسی نبی از سازمان مبارزه با جرایم در آلمان. گرداننده پانل اینگا نلهسن

۱۹ ماه مارس ۲۰۱۹ در سینمای اودئون کلن، ساعت ۱۹.۳۰



از صفحه ۲

فعالیت های مینا احدی از چشم کسی نمیتواند پنهان بماند



مینا احدی

به اعدام و سنگسار را هدایت کرده است. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی را بارها زیر فشار و تنگنا قرار داده است و پیوسته با چمدانی در دست برای شرکت در برنامه های مختلف در این سو و آن سوی آلمان، یا کشورهای دیگر در حال سفر بوده است. این فعالیت ها نمی تواند از دید رسانه های فارسی پنهان بماند. بویژه اینکه بسیاری از این برنامه ها در مطبوعات و رسانه های دیگر کشورها منعکس شده است و بعضا با سر و صدا همراه بوده است. تو گویی اینها موضوع خبری رسانه های فارسی نیستند.

برای نمونه هفته پیش مینا احدی در راس هیئتی ملاقات بسیار با اهمیتی با مسئولین حقوق بشر سازمان ملل در ژنو در مورد وضعیت کارگران زندانی داشت. در حالیکه رسانه های فارسی خبر دیدارهای حقوق بشری فعالین به مراتب کمتر شاخته شده ای را منعکس کردند، از کنار این خبر رد شدند. او قرار است در ۱۹ مارس در یک پانلی در آلمان که بمناسبت نمایش فیلم "فرزند خلیفه" که برنده چند جایزه سینمایی است به همراه چند شخصیت دیگر و از جمله؛ "طلال درکی" کارگردان این فیلم، و "رودی تارندن"، سخنگوی مطبوعاتی یونیسف شرکت کند. بعید است رسانه هایی که اشاره کردم اراده ای برای انعکاس این خبر داشته

همجسگرایان را اعدام میکند و در پرونده اش سالیانه هزار اعدام هست، سیاستی کاملا اشتباه است و مردم ایران این رفتارها را کاملا زیر نظر دارند و اصلا این نوع رفتارها را قبول ندارند. امروز بی بی سی بلاخره روزه سیاسی خود در قبال انعکاس فعالیت های مینا احدی را شکست و در اخبار خود اشاره ای به این خیر داشت.

دیروز همچنین مینا احدی در جلسه ای که بدعوت آنتی فاشیست ها در شهر برمن در آلمان برگزار شد شرکت کرد و در سالی که برای شنیدن حرف های او پر شده بود به سئوالات مخاطبین آلمانی و ایرانی و ترک و غیره در باره تحولات سیاسی ایران، حزب کمونیست کارگری و کمونیسمی که مینا به آن تعلق دارد، پاسخ داد. او در این کنفرانس به معرفی جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و مبارزات چهل ساله مردم ایران علیه حکومت اسلامی پرداخت و به بررسی روند ها و آلترناتیوهای سیاسی و آینده ایران پرداخت و مردم آلمان را به همستگی و دفاع از مبارزات مردم ایران و جنبش کارگری فرا خواند. * صفحه ۴

باشند. اگر برای مثال یک شخصیت درجه چندم ملی - اسلامی در چنین همایش هایی شرکت میکرد، خواننده فارسی زبان میتوانست این شانس را داشته باشد که از وجود چنین برنامه ها و تلاش هایی از طریق این رسانه ها مطلع شود.

تلاش های گسترده مینا احدی در نبرد برای رهایی از وضعیتی که در ایران تحت حکومت جمهوری حاکم است از چشم هیچ ناظر سیاسی که اوضاع ایران دنبال میکند پنهان نیست. مینا احدی بخاطر تلاش های پیوسته و خستگی ناپذیر در دفاع از حقوق زنان، زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام و سنگسار و علیه انواع تبعیض هایی که در ایران وجود دارد، جایگاه ویژه ای یافته است. او اکنون نه فقط برای ایرانیان

از صفحه ۱۱
دستمزدهایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

نپرداختن دستمزدها یک شیوه رایج توسط کارفرمایان در جمهوری اسلامی است. حقوقها و دستمزدهای زیر خط فقر کارگران را ماهها و حتی بعضا به مدت یک سال و دو سال نمی پردازند و فشار و رنج غیر قابل تحلی را به خانواده های کارگری تحمیل میکنند. کارگران فقط با اعتراض و اعتصاب قادر میشوند بخشی از حقوق های خود را از حلقوم مفتخوران سرمایه دار بیرو بکشند. با اعتراضات و اعتصابات متحدانه و سراسری میتوان نه فقط پرداخت به موقع دستمزدها، بلکه افزایش چندین برابر دستمزدها را به حکومت و سرمایه داران تحمیل کرد.

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
حزب کمونیست
کارگری ایران

۲۷ بهمن ۱۳۹۷، ۱۶
فوریه ۲۰۱۹

نه
قومی
نه
مذهبی
حکومت
انسانی



عده ای از همزمان و همراهان مینا احدی در شهر برمن آلمان



فرانک آمایر

فعالیت های مینا احدی از چشم کسی نمیواند پنهان بماند تا مرز جنون!

از صفحه ۳

زنان ایرانی در مبارزه خود برای حقوق بیشتر از طرف فمینیست های غربی، تنها گذاشته شده اند. بسیاری از چپها دیگر دلیل و برهانی برای دفاع از اسلام زن ستیز ندارند. اینرا فرانک آمایر مینوسید.

فرانک آمایر ژورنالیست و سرمقاله نویس مجله Cicio هست. او سالهای سال است که در انتشاراتی رینگر کار میکند و اکنون ساکن برلین است.

چهل سال قبل آیت الله خمینی در ایران یک حکومت اسلامی را سرهم بندی کرد. قدرت گرفتن او با کف زدن های چپها در اروپا مواجه شد از آنزمان تا بحال خشونت بر علیه مردم ایران که در همان دوران خونین شاه هم به اندازه کافی مشکل داشتند، بدتر و وحشتناک تر شد. ایدئولوژی اسلامی به آنها کمک کرد.

روزنامه یکشنبه زوریخ سونتاک تستایونگ این سالگرد تاریک را بعنوان فرصتی دیده و با مینا احدی مصاحبه کرده است.

او در سال ۱۹۷۹ بر علیه انقلاب اسلامی به خیابان رفته و باید کشور را ترک میکرد. او امروز هم از کلن که بعنوان تبعیدی در آنجا ساکن است، بر علیه حکومت ملایان مبارزه میکند. برای او از همه مهمتر در این مبارزه، مقابله او با ترور بر علیه زنان است. بر علیه حجاب اجباری که وابستگان خمینی با خشونت کامل در خیابانها آنها را انداختند. مینا اینرا خودش تجربه کرده است جنگجوی آزادیخواه اینرا کاملا در خاطر دارد که "وقتی زنان بدون حجاب بودند و یا آرایش کرده بودند در همان محل

آنها را کتک زده و آرایش صورتشان را پاک میکردند." **جنگ تنهای زنان ایرانی!**

چه چیزهایی در ایران امروز عوض شده است؟ مینا احدی باور دارد به همت فعالیتهای بین المللی او اکنون حکومت را به آنجا رانده که آخوندها و جهادبست ها و جنگندگان در راه خدا نمیتوانند در ایران کسی را سنگسار کنند. به این دلیل که حاکمین بر ایران دیگر نمیخواهند تصویر خودشان در دنیا ی مدرن، نفرت انگیزتر از این بشود که هست. این عقب نشینی تاکتیکی البته در مورد موقعیت قانونی زنان در کل تاثیرات جدی نداشته است. همچنین در مورد نفرت مذهبی علیه همجنسگرایان، همین بیست روز قبل بود که یک همجنسگرا در ایران علنی اعدام شد" مینا احدی گزارش میدهد.

خوب بنظر میرسد که این زن که بر علیه توتالیترازم اسلامی و علیه نفرت علیه زنان تمام عمر جنگیده، باید همکاران و شبکه بزرگی در آلمان و سوئیس و اروپای غربی، یعنی در بین زنان چپگرا، فمینیست ها و سوسیال دمکراتها، آنتی فاشیستها و کل شبکه "می تو" و فعالین مدافع حقوق زن داشته باشد.

آیا بمناسبت چهلمین

سالگرد روی کار آمدن حکومت اسلامی در مقابل سفارتخانه های این حکومت در آلمان و سوئیس و اروپای غربی، زنان رفتند و تظاهرات کردند علیه این سرکوبگری حکومتی در مورد خواهران خود در یک حکومت اسلامی؟ آیا در جایی یک راهپیمایی عزاداری در یاد بود و گرامیداشت ۵۰۰ زنی که به گفته مینا احدی در ایران سنگسار شده اند، برپا شد؟ آیا یک پیکت از طرف جنبش "می تو" در مورد ۳۵۰ هزار نفر فعال سیاسی که در ایران به قتل رسیدند و تعداد زیادی از اینها زن بودند برپا شد؟

جهانشمولی حقوق زنان

مینا احدی توضیح میدهد که "سازمانهای زنان چپ، فوراً تجارب مرا کوچک جلوه داده و نسبی به آنها برخورد کردند. آنها میگفتند حجاب امری خصوصی است و یا اینکه تعداد کمی زن سنگسار میشوند و این مشکل بزرگ جنبش زنان بین المللی نیست. تحت ستم بودن زنان در ایران یک مسئله فرهنگی است که باید آنرا پذیرفت. و من با خودم فکر میکردم این چه حرفی است، دارم دیوانه میشوم." و ادامه میدهد: "من اینرا همواره متاسفانه تجربه میکنم. فمینیست های چپ نقض حقوق زنان و حجاب و

آیا تصویری از این استثنا ها هست؟ بله در هفته نامه چپگرا WOZ پنجشنبه در صفحه چهار به کشیش یک کلیسای کاتولیک بدلیل ضد زن بودن او شدیداً حمله میشود و در ادامه به سازمانهایی دیگر بدلیل آزار جنسی زنان به درست اعتراض میشود. در صفحه هفت همین هفته نامه این نهاد، از حجاب یک زن دفاع میکند و این سومین زنی هست که اینها از محجبه بودن او در محیط کار دفاع میکنند.

ولی استثنا وجود دارد. نجلا کله ک و سیران آتیش در آلمان یا خالده کلر مصالی در سوئیس همانند مینا احدی زنان تنهایی هستند که فراخوان میدهند، اکثریت فمینیست ها اما علیه این نگرش هستند و این دردناک است.*

"مینای انقلاب

کارگری بشریت

است،

مینای آزادی کارگر

بشریت است، و

مینای مارکسیسم

آزادی بشریت

است."

منصور حکمت

برقع و یا مثله کردن جنسی زنان را توجیه میکنند. چرا که آنها ضد امپریالیسم هستند. ترجیح میدهند که از فرهنگ عقب مانده دفاع کنند. بجای اینکه این وحشیگری را حتی نگاه کنند و در مورد آن حرفی بزنند. تو گویی حقوق زنان امری بین المللی نیست."

مینا احدی یک ارزیابی دقیق را دارد انجام میدهد و واقعیت متاسفانه همین است. توضیحات اکنون فمینیست های غربی و در حقیقت، نه فقط در مورد مسائلی که به ایران مربوط میشود، نه آنچه در کشورهای اسلامی در مجموع اتفاق می افتد و همچنین در مورد اسلام برخی از تبعیدیان، همین است.

برای بسیاری از زنان چپ هیچ توجیهی و هیچ سنگدلی نمیتواند اینرا توجیه کند که از یک مذهب فاشیستی به نام اسلام دفاع کنند.

غرب کاپیتالیست است و وابستگان قران مخالفین غرب، افرادی که اگرچه کمی خشن هستند، ولی شاید بتوانند کاپیتالیسم را پس بزنند و در این دنیای پر از بدبختی و مکافات راه حلی نشان دهند. بنظر میرسد اینها را پرولتاریای جدید می بینند و از آنها دفاع میکنند.

استثنا وجود دارد

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



آنچه در نیشکر هفت تپه گذشت و

بن بست رژیم

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بر سر خواسته‌هایی چون پرداخت فوری دستمزدهای به سرقت رفته و بر ملا شدن دزدی‌های پشت پرده که تولید کارخانه و ادامه اشتغال کارگران را به خطر انداخته بود و حق داشتن تشکل مستقل کارگری برپا شد. اما وقتی کارگران پاسخ خواسته‌هایشان را با شانه بالا انداختن‌های مقامات دست اندر کار و ادامه دزدیها و چپاول‌ها و تشدید فضای امنیتی و تجهیز کردن کارخانه به دوربین‌های مدار بسته جاسوسی و غیره گرفتند، اعتراضاتشان از سطح کارخانه فراتر رفت و به سطح شهر کشیده شد. این کارگران ۲۸ روز تمام به خیابان آمدند و خواسته‌هایشان را فریاد زدند، اما از کارفرمایان و صاحبان شرکت گرفته تا نماینده مجلس و امام جمعه و نیروی انتظامی و نماینده "رهبر" همه و همه در پناه قوانین ضد کارگری حکومت اسلامی و دستگاه قضایی، این ماشین سرکوب و جنایتشان در مقابل کارگر به صف شدند تا به خیال خود کارگر را سر جایش نشانند. اما با کشیده شدن اعتراض به شهر، آنهم در شرایطی که کل جامعه صدای اعتراضش علیه فقر و بردگی بلند شده است، به موضوع ابعاد دیگری داد و دامنه اش از هفت تپه فراتر رفت. دلیلش نیز این بود که اعتراض این کارگران به چپاولها و دزدی‌ها، به بالا کشیدن دستمزدهای توافق شده کارگر توسط مشتی سرمایه دار مفتخور، به

محبوبش بخشی است. روشن است که این جنبش را با هیچ درجه از توحش و سرکوب نمیشود عقب زد. و این جنگی است که تا همین جا بازنده اش جمهوری اسلامی بوده است.

همانطور که در نوشته دیگری هم اشاره کردم جمهوری اسلامی که در برابر این اتفاق شورانگیز خود را مغبون می‌دید، هراسان از طوفانی که بر پا شده و با شتاب به جلو میرفت، همانند همیشه به ابزار سرکوبش دست برد. اسماعیل بخشی و دیگر نمایندگان مجمع نمایندگی شورای کارگران هفت تپه، علی‌نجاتی از سندیکای نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان فعال دانشجویی که به عنوان خبرنگار در حمایت از این اعتراضات وارد قضیه شده بود را بازداشت و زیر شکنجه و اذیت و آزار قرار داد تا جلوی پیشروی بیشتر این مبارزات را بگیرد و هر طور که شده، اوضاع را به عقب برگرداند. اما اسماعیل بخشی بعد از گذشت یکماه از آزاد شدنش، او که ۲۵ روز تمام زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفته بود از شکنجه‌های درون زندان اعلام شکایت کرد و وزیر اطلاعات یکی از بالاترین مقامات دستگاه سرکوب حکومت را به مناظره فراخواند. او با این کارکل بساط شکنجه و زندان را به چالش کشید. این اقدام جسورانه وی خود به جنبشی در سطح جامعه تبدیل شد و با عنوان "من هم شکنجه شده‌ام" قد علم کرد و جنبش دادخواهی علیه ۴۰ سال شکنجه و زندان حکومت اسلامی را به جلو آورد. سپیده قلیان نیز که در جریان همین دستگیریها در زندان زیر شکنجه و اذیت و آزار قرار

گرفته بود، به کیفرخواست اسماعیل بخشی پیوست و از شکنجه‌های خود در زندان گفت. این اتفاقات بیش از پیش صدای اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه، صدای اعتراض اسماعیل بخشی و صدای اعتراض مردم را علیه بساط سرکوب و شکنجه حکومت اسلامی جهانی کرد. بطوریکه بطور بیسابقه ای بزرگترین سازمانهای کارگری و انساندوست در سطح جهان به حمایت از آن برخاستند و انزجار خود را اعلام داشتند. این اتفاق ضربه ای دیگر بر بدنه حکومت و ماشین سرکوب و جنایتش بود. و بالاخره ضربه آخر بعد از پخش مفتضحانه "مستند طراحی سوخته" از صدا و سیمای جمهوری اسلامی بود. اطلاعات جمهوری اسلامی با وادار کردن اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در زیر شکنجه به "اعتراف" علیه خود و با پرونده سازی ساختگی این چنینی این فیلم را تهیه و در اختیار صدا و سیمای جمهوری اسلامی گذاشته بود. این فیلم تحت عناوینی چون بخشی وابسته به حزب کمونیست کارگری ایران بوده، سپیده قلیان کمونیست است و اینها همه طرحهای آمریکا و ضد انقلاب است و غیره حاکی از پرونده سازی‌های جدید علیه بخشی و قلیان بود. و این چنین بود که هر دوی آنها دوباره بازداشت شدند. اما جامعه با شعار بخشی را گرفتید، ما همه بخشی هستیم، ما همه سپیده قلیان هستیم جوابشان را دادند. شکست این طرح را نیز معلمان و بازنشستگان با شعارهایی چون "مستند، شکنجه، دیگر اثر ندارد"، "نگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما" و با خواست آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی

در کف خیابان اعلام کردند. همانموقع نیز سپیده قلیان با تهیه کلیپی از چگونگی تهیه این "مستند" در زیر شکنجه سخن گفت و شجاعانه اعلام کرد که آنچه که در زیر شکنجه از او تحت عنوان "اعتراف" فیلم شده، هیچگونه اعتباری ندارد، حرفهای او همین است که امروز میگوید و از اینکه بخاطر دفاع از مبارزات کارگران هفت تپه دستگیر شده است و به او گفته اند "کمونیست" است و به عنوان یک زن زیر بدترین تحقیرها و شکنجه‌های قرار گرفته است، سخن گفت. فرزانه زیلابی وکیل بخشی نیز این عمل اطلاعات را جرم قانونی اعلام کرد و بخشی و قلیان خواستار دادگاه علنی شدند. ضمن اینکه طومارهای اعتراضی بسیاری علیه "اعتراف گیری در زیر شکنجه" در زندانهای جمهوری اسلامی به راه افتاد. بدین ترتیب این اقدام ذبونامه حکومت نیز با موجی از اعتراض در سطح جامعه و انزجار نهادهای کارگری و انساندوست در سطح جهان روبرو شد.

تمامی این تقلاهای عبث از سوی جمهوری اسلامی نشانگر وحشتش از سربلند کردن قدرتمند جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در سطح جامعه و علیه سرمایه داری وحشی حاکم است. در برابر چنین جنبش قدرتمندی و رهبری چون اسماعیل بخشی است که امروز جمهوری اسلامی در بن بست سخت گیر کرده است.

جنبش دفاع از اسماعیل

بخشی و سپیده قلیان و و

حشت رژیم

اسماعیل بخشی در قلب مردم جا دارد و مردم امروز او را با گفتمان‌های آزادیخواهانه، برابری طلبانه و

اداره شورایی و علیه شکنجه و زندان می شناسند. سپیده قلیان نیز دختر جوانی است که شجاعانه در کنار اسماعیل بخشی و کیفرخواست او ایستاده است. جمهوری اسلامی با دستگیری مجدد آنها و ادامه بازداشتشان و بی خبر گذاشتن خانواده های آنان و کارگران و مردم از وضعیتشان، بیش از هر چیز وحشت خود را نشان میدهد. از همین رو حتی وقتی خانواده بخشی در بیست و هشتم بهمن ماه به ملاقاتش میروند دیوانه وار به آنان حمله میکنند و حتی دستور بازداشت مادر بخشی را میدهد. در رابطه با وضعیت اسماعیل بخشی فرزانه زیلایی وکیل او از این خبر میدهد که پس از اعلام احتمال تمديد قرار بازداشت بخشی و تفهيم سه اتهام جديد " نشر اکاذيب به قصد تشويش اذهان عمومي، فعاليت تبليغي عليه نظام و توهين به مقامات" به وی، خانواده او بارها به دادسرا مراجعه کرده‌اند، اما نه تنها پاسخی نگرفته اند بلکه با خواهر اسماعیل بخشی برخورد فیزیکی شده و اقدام به بازداشت مادرش کردند که بدلیل شوک عصبی به بیمارستان انتقال داده شد. فرزانه زیلایی خاطر نشان کرد و گفت که نگره داشتن بخشی در بازداشتگاه مانع پیگیری شکایت او علیه شکنجه های درون زندان نمی‌شود. در اعتراض به این تعرضات وحشیانه و در ادامه پیگیری وضعیت اسماعیل بخشی خانواده او و جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۲۹ بهمن با دست نوشته هایی که بر روی آنها نوشته شده بود "اسماعیل بخشی آزاد باید گردد" جمع شدند و خواستار آزادی فوری وی شدند. نظیر همین تجمع در اول اسفند نیز

برپا شد. هم اکنون کارزاری جهانی در حمایت از اسماعیل بخشی و کارگران زندانی در جریان است. در برابر گستاخی های جمهوری اسلامی و ادامه بازداشت او و سپیده قلیان باید فعالانه از جنبش دفاع از اسماعیل بخشی و کارگران نیشکر هفت تپه و جنبش شورایی دفاع کنیم.

با اعتراضی سراسری میتوان با سرکوبگری های حکومت مقابله کرد

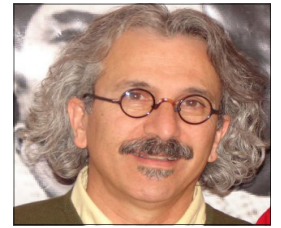
جمهوری اسلامی وحشت زده از گسترش اعتراضات کارگران و فضای پر تلاطم جامعه دستگیریه را شدت داده است. از جمله در نهم بهمن ماه جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران و پروین محمدی نایب رئیس این اتحادیه، دو تن از چهره های شناخته شده جنبش کارگری دستگیر شدند. جعفر عظیم زاده با ۶ سال حکم راهی زندان اوین شد و پروین محمدی هجده روز تمام از هر گونه تماس و ملاقاتی محروم بود و اکنون در زندان اوین بسر میبرد. جعفر عظیم زاده کسی است که همراه با اسماعیل عبدی کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات را اعلام کرد و خواست مشخص آنها لغو تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی بود. این کارزار ابعاد اجتماعی گسترده ای پیدا کرد و امروز به یک محور مهم اعتراضات معلمان تبدیل شده است. پروین محمدی از رهبران اتحادیه آزاد نقش مهمی در پیشبرد این کارزار داشته است. جعفر عظیم زاده و پروین محمدی همچنین از جمله کسانی هستند که پیشتاز مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها بوده است. از جمله در سال ۹۱ از سوی

اتحادیه آزاد کارگران ایران طوماری در اعتراض به سطح دستمزدها به راه افتاد که امضای ۴۰ هزار نفر پای آن گذاشته شد. بنابراین روشن است که چرا در چنین شرایطی رژیم اسلامی بار دیگر به سراغ عظیم زاده و محمدی رفته و آنها را بازداشت و زندانی میکنند. مورد دیگر بازداشت بهنام ابراهیم زاده از چهره های شاخص جنبش کارگری است. او را به خاطر دفاع از زلزله زدگان کرمانشاه و نقش درخشانی که در تشویق مردم به کمک رسانی به مردم این منطقه داشته است، در آذر ماه بازداشت کردند و همچنان در بازداشت است و خبرها حاکی از تشکیل پرونده های امنیتی جدید برای اوست. این درحالیست که هم اکنون تعدادی از معلمان در بازداشت بسر میبرند و با گسترش اعتراضات معلمان، رژیم اسلامی بر پیگرد و دستگیری معلمان معترض شدت داده است و در همین مدت محمد علی زحمتکش از معلمان شیراز بازداشت شده است. یک حلقه کلیدی برای پیشروی جنبش اعتراضی کارگری و اعتراضات بخش های مختلف جامعه برای رهایی از جهنم حکومت اسلامی سرمایه داران، نبردی متحد و سراسرای علیه کل ماشین سرکوب و جنایت حکومت است. کارزار علیه شکنجه و زندان، عرصه های مهمی از این نبرد سراسری هستند، باید وسیعا به میدان آمد و به این کارزارها پیوست. اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، پروین محمدی، بهنام ابراهیم زاده، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کارگران به دستمزدهای زیر خط فقر تن نمیدهند

آخر سال است و موعد تعیین میزان حداقل دستمزدهاست. طبق روال هر ساله حکومتیان بساط رایزنی هایشان را از بالای سر کارگران پهن کرده اند و شورای عالی کار به تبعیت از برنامه مصوب بودجه دولت در آبانماه، زمزمه "افزایش" ۲۰ درصدی حداقل دستمزدها برای سال ۹۸ را به راه انداخته است و با این افزایش، حداقل مزد در این سال نهایتاً به رقمی در حدود یک میلیون و ۳۴۰ هزار تومان خواهد رسید. بدین ترتیب با توجه به افزایش سرسام آور نرخ تورم که بنا بر برآورد صندوق بین المللی پول ۳۴ درصد خواهد بود، حکومت اسلامی سرمایه داران در تدارک تحمیل وضعیت معیشتی به مراتب وخیم تری بر کارگران و کل جامعه است. از سوی دیگر اعتراض علیه زندگی زیر خط فقر و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خرید کارگران و بخش های مختلف مردم امروز یک عرصه مهم نبرد با حکومت دزدسالار سرمایه داری حاکم است. از جمله امروز یک خواست مهم کارگران، معلمان و بازنشستگان و بخش های محروم حقوق بگیر جامعه افزایش حقوقها به بالای خط فقر است و این خواست خود را در بیانیه های اعتراضی و در شعارهای کف خیابان بیان میکنند. در همین راستا در این هفته سندیکاها و تشکلهای مستقل کارگری و بازنشستگان طی بیانیه مشترکی در مورد تعیین دستمزد سال ۹۸ با توجه به میانگین هزینه زندگی یک خانوار خواستار حداقل دستمزد ۷ میلیون تومان شده اند. " طی چهل سال گذشته همواره مزد کارگران حدود یک پنجم مبلغ لازم برای تأمین

هزینه متوسط زندگی یک خانوار معمولی شهری بوده است. با افزایش حداقل مزد به میزان ۲۰ درصد در همچنان بر همان پاشنه خواهد چرخید و فقر همچنان زندگی کارگران و زحمتکشان را به کام مرگ و تباهی خواهد کشاند." سپس این بیانیه با اشاره به اینکه در اواخر سال ۹۶ تشکلهای مختلف کارگری با توجه به آمارهای اعلام شده از سوی خود حکومت در خصوص هزینه متوسط خانوار در سطح کشور و سطح تورم بر حداقل دستمزد ۵ میلیون تاکید کرده بودند و با توجه به اینکه صندوق بین المللی پول نرخ تورم در ایران برای سال آینده را حدود ۳۴ درصد برآورد کرده است، بر خواست حداقل دستمزد هفت میلیون تاکید کرده است. در آخر بیانیه از همه کارگران و فعالان کارگری و تمامی سازمانهای مدافع حقوق کارگران خواسته شده است که از حداقل دستمزد به میزان ۷ میلیون تومان در ماه برای سال ۹۸ پشتیبانی کنند. این بیانیه با امضای سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری و گروه اتحاد بازنشستگان در اول اسفند ماه منتشر شده است. جنبش برای خواست افزایشی دستمزدها، جنبشی علیه زندگی زیر خط فقر و برای داشتن یک زندگی انسانی است. صف این جنبش را کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش های محروم حقوق بگیر جامعه تشکیل میدهد. و این جنبشی است که با اعلام رقم در مقابل شورای عالی کار و چانه زنی بر سر مزد کارگر از بالای سر او ایستاده است. متحدانه به این جنبش بپیوندیم.*



کنفرانس ورشو اهداف، واکنش ها و صف بندیها گفتگو با علی جوادی

خلیل کیوان: برگزارکنندگان کنفرانس ورشو اعلام کردند که این همایش در باره دستیابی به صلح و امنیت در خاورمیانه است، اما دیدیم که جمهوری اسلامی و مقامات آن در کانون توجه آن بودند. برای مثال پمیو در ورشو گفت: "به نفع همه است که خامنه‌ای، روحانی و قاسم سلیمانی از منابع مالی‌شان محروم شوند". مایک پنس گفت: "وقت آن است که اروپا به نفع صلح جهان و مردم ایران از برجام خارج شود" و همچنین برایان هوک از خطر و تهدید ایران صحبت کرد و در زمینه حقوق بشر جمهوری اسلامی را محکوم کرد. آیا برگزار این کنفرانس با هدف تشکیل یک ائتلاف گسترده در مقابل جمهوری اسلامی نبود؟

علی جوادی: اهداف واقعی این کنفرانس از اساس با ادعاها و بیانه‌های اعلام برگزاری آن متفاوت بود. این تناقض بسادگی از پیش قابل پیش بینی بود. "صلح و امنیت" در خاورمیانه در گرو حل مسائل و پاسخ به معضلاتی است که سیاست‌های آمریکا نه بخشی از راه حل آن که برعکس بخشی از خود معضل و صورت مساله است.

اما همانطور که اشاره کردید این کنفرانس تلاشی برای شکل دادن به یک ائتلاف گسترده در مقابله با جمهوری اسلامی بود. اما سؤال کلیدی این است که ائتلاف به چه منظور و یا برای کدام هدف؟ گرایش‌های راست اپوزیسیون این کنفرانس را گامی در جهت سرنگونی قریب الوقوع حکومت

اسلامی توسط آمریکا و متحدین اش محسوب میکنند. اما واقعیت این است که بر خلاف تصور این جریان‌ها ارتجاعی، آمریکا قصد سرنگونی رژیم اسلامی را ندارد. همانطور که خود بارها اعلام کرده اند، هدفشان "اعمال فشار حداکثری" برای کشاندن رژیم اسلامی به پای میز مذاکره است. میگویند: "اعمال فشار مشترک بازگشت ایران به میز مذاکره تحت شرایط بسیار مطلوب برای ایالات متحده و دیگر کشورهای مسئول در سراسر جهان را تسریع میکند". این هدف اعلام شده و واقعی کوتاه مدت شان است. مساله شان نه بی حقوقی مردم و نه جنایات رژیم اسلامی علیه مردم است. (حتی اگر قصد سرنگونی رژیم اسلامی را داشتند، صلح و امنیت و آزادی و رفاه مردم کوچکترین جایی در این نقشه نمی داشت. نتایج لشکر کشی و سرنگونی رژیم استبدادی صدام حسین روشن تر از آن است که توهم پراکنی و عوامفریبی اپوزیسیون راست بتواند سایه ای بر آن بیفکند.)

واقعیت این است که مقابله با رژیم اسلامی برای آمریکا در پیچه ای برای تغییر آرایش سیمای سیاسی در خاورمیانه است. به دنبال آنند که ائتلافی از کشورهای عربی و اسرائیل به نیروی هژمونیک و قدرت برتر در خاورمیانه تبدیل شود. به دنبال تغییر توازن سیاسی در خاورمیانه به ضرر رژیم اسلامی اند. دستیابی به این هدف در عین حال حلقه ای برای تحکیم موقعیت هژمونیک و ابر

قدرتی خود آمریکا در منطقه و جهان است. به این اعتبار رژیم اسلامی و نیروهای منطقه ای اش، کاندید پست "امپراطوری شر" و "محور شرارت" در این دوره اند. آنچه امروز در دستور آمریکا است علم کردن رژیم اسلامی در این ظرفیت است. علم کردن و نه سرنگون کردن. به این اعتبار همان دستهایی که قرار است رژیم اسلامی را بکوبد، همان دستها هم عصای دستش اند و زیر بغلش را گرفته اند تا زمین نخورد.

خلیل کیوان: مقامات جمهوری اسلامی واکنش تندی به برگزاری این کنفرانس داشتند. خامنه ای می گوید این یک "نشست شکست خورده" است. وی به کشورهای منطقه که در آن شرکت کرده بودند تاخت و گفت «هم‌نشینی مقامات کشورهای به ظاهر مسلمان» با اسرائیل «موجب رفتن آبروی آنان» است. از سوی دیگر هشدار مبنی بر اینکه «این جنجال‌ها (نباید به) خالی شدن دل فلان مسئول «یا «دچار خطا شدن فلان جوان» منجر شود. اگر به گفته خامنه ای این نشست شکست خورده است چرا او تا این حد نگران خالی شدن دل مسئولین و به خطا رفتن جوانانی است که در صف او هستند؟

علی جوادی: نگرانی خامنه ای واقعی است. واکنش اش بیانگر موقعیت خطیری است که رژیم اسلامی در شرایط حاضر در آن قرار گرفته است. گسترش اعتراضات توده ای در جامعه و افزایش فشار بین

المللی، موقعیت نگران کننده ای را برای رژیم ایجاد کرده است. این واقعیات شکافهای درونی رژیم را نیز تشدید کرده است. عر و تیز خامنه ای تلاشی کودنانه برای "روحیه" دادن به نیروهای خودی است. نگران فشار از درون و عقب نشینی بخشهایی از حاکمیت در چنین شرایطی است. بخوبی میدانند که جناحی در حاکمیت اسلامی، بقای این رژیم را در گرو عقب نشینی و بند و بست با آمریکا می بیند. این جناح خواهان "نرمش قهرمانانه" دیگری توسط خامنه ای است. واکنش خامنه ای اقدامی در این راستا است. خامنه ای و جناح اش بر این تصورند که هر درجه عقب نشینی در قبال آمریکا و سیاستهایش در این شرایط از جانب مردم به مثابه ضعف و زبونی رژیم تلقی شده و زمینه ساز تعرض گسترده تر مردم خواهد شد. عقب نشینی رژیم اسلامی را چراغ سبزی برای مردمی که خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند، تلقی میکند. واقعیتی را می بینند. در طرف دیگر اما جناح "اعتدال و تدبیر" حکومت به دنبال عقب نشینی و بند و بست است. حفظ موقعیت رژیم را در کنار آمدن با آمریکا ممکن میدانند. می دانند که نمیتوانند همزمان در دو عرصه بین المللی و داخلی درگیر شوند. بر این تصورند که میتوانند با آمریکا به نقطه سازشی برسند، اما در عین حال میدانند که نقطه سازشی با مردم برایشان ممکن نیست.

خلیل کیوان: برگزاری این کنفرانس چه تأثیراتی را بر صف بندیهای سیاسی و همچنین بر موقعیت رژیم اسلامی در منطقه می گذارد؟

علی جوادی: صف بندیهای سیاسی در خاورمیانه در حال

تغییرات مهمی است. فشار بر رژیم اسلامی فزونی یافته است. رژیم اسلامی به لحاظ اقتصادی ورشکسته و در تنگنای سیاسی شدیدی قرار دارد. بن بست اقتصادی و فلج سیاسی اش اظهر و من الشمس است. با مردمی مواجه است که در کمین اش نشسته اند. در سوریه زیر ضرب حملات اسرائیل است. حمایت روسیه را در سوریه با خود ندارد. ائتلاف برخی از کشورهای عربی و اسرائیل موقعیت رژیم اسلامی در منطقه را متزلزل و شکننده کرده است. کنفرانس ورشو نیروهای معینی را در کنار آمریکا و اسرائیل و عربستان سعودی در مقابله با رژیم اسلامی بسیج کرده است. خشم و نگرانی ظریف در کنفرانس امنیتی مونیخ بی جهت نیست، واقعی است.

خلیل کیوان: جریان‌ها راست اپوزیسیون فعالیت گسترده ای پیرامون برگزاری این نشست داشتند و در خارج این کنفرانس هم تجمعاتی برگزار کردند. انتظارات و توقعات این جریان‌ها از این کنفرانس چه بود؟

علی جوادی: این جریان‌ها به دنبال کسب امتیاز آلترناتیو حکومتی در فردای سرنگونی رژیم اسلامی از آمریکا هستند. امیدشان این است که کشمکش آمریکا و رژیم اسلامی علاوه بر تشدید تحریمهای اقتصادی به تقابل نظامی نیز کشیده شود. به دنبال تکرار سناریوی رژیم چنج در عراق اند. رقابت و کشمکش سلطنت طلبان و مجاهدین برای عرضه خود به دولتمردان هیات حاکمه آمریکا، مضحک و دیدنی است. "چنج، چنج، رژیم چنج" یک شعار اصلی شان بود. فرقه مجاهدین بنظر میرسد

از صفحه ۷

که این دور از رقابت را از آن خود کرده است. رودی جولیبانی و شهردار ورشو را در تجمع خود داشتند. سلطنت طلبان آشفته و در هم ریخته بودند. تصور اینکه متحدین همیشه جاویدانشان به آنها و پروژه ابقاء باقی مانده تاج و تخت پشت کنند، برایشان خرد کننده است.

خلیل کیوان: با برگزاری این کنفرانس مساله رژیم چنج و موضوع آلترناتیوسازی و برخورد به آن در سطح نیروهای اپوزیسیون مطرح شده است. جایگاه این کنفرانس در چهارچوب رژیم چنج و آلترناتیوسازی را چگونه می بینید؟

علی جوادی: این کنفرانس بر خلاف تصور نیروهای راست اپوزیسیون اقدامی در چهارچوب رژیم چنج و آلترناتیو سازی نبود. گوادالوپ دوم نبود. نه آمریکا در موقعیتی

است که در سال ۵۷ بود و نه نیروهای دست راستی و ارتجاعی دست بالا را بر خلاف تحولات ۵۷ دارند. صحنه سیاسی و موقعیت نیروهای موجود در جامعه به شدت تغییر کرده است. در آن دوران آمریکا دارای قدرت و اهرم ویژه ای در تحولات سیاسی بود. نفس عدم حمایت از رژیم شاه و پشتیبانی از ائتلاف خمینی و بازرگان رویداد مهمی در سرنوشت اوضاع سیاسی آن دوران بود. اکنون کارگر و کمونیسم و کلا اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی یک فاکتور مهم و نقش ساز در تحولات جاری است. ما اجازه نخواهیم داد این نیروها با مهندسی افکار عمومی جامعه آلترناتیو ارتجاعی شان را به جامعه حقه کنند.

خلیل کیوان: از حکومت تا مردم، و از نیروهای اپوزیسیون راست تا چپ، همه نسبت به حزب کمونیست کارگری و سیاست های آن حساس اند. این حزب اکنون در کانون توجه

قرار گرفته است و بیش از پیش روشن شده است که حزب از بازیگران اصلی صحنه سیاسی ایران خواهد بود. از اینرو، سیاست حزب در همه زمینه ها و از جمله سیاست بین المللی آن در قبال دولت ها موضوع حساس و بسیار مهمی شده است. موازین و اصول ناظر بر دیپلماسی بین المللی حزب و سیاست آن در قبال دولت ها، بویژه در قبال آمریکا چیست؟

علی جوادی: اهداف ما اعلام شده و روشن است. حزب کمونیست کارگری برای سرنوشت انقلابی رژیم اسلامی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی که متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان است تلاش میکند. جامعه ای که آزاد و برابر. جامعه ای که همگان از مواهب و محصولات تولید شده در جامعه برخوردارند. جامعه ای که از قید و بند مناسبات استثمارگراییانه و ضد انسانی رها شده است. سازماندهی و

رهبری جنیش سرنوشتی طلبانه موجود در جامعه اهرم ما در تحقق این اهدافمان است.

ما در عین حال در قبال تحولات بین المللی بی تفاوت نیستیم. سیاست ما در عرصه دیپلماسی بین المللی در قبال دولتها بر چند محور اساسی استوار است: ما بارها اعلام کرده ایم که رژیم اسلامی، حکومت مشروع مردم در ایران نیست. این حکومت را باید از تمامی مجامع بین المللی اخراج کرد. باید هر گونه رابطه سیاسی و نظامی را با این حکومت قطع کرد. سیاست ما اعمال فشار بر دول غربی و آمریکا بمنظور متحقق کردن این رکن از سیاست بین المللی مان است. ما در عین حال اعلام کرده ایم که تمام اموال سران رژیم اسلامی در خارج از کشور باید منجمد شود و به دولت منتخب مردم در فردای سرنوشتی رژیم واگذار گردد. ما بارها اعلام کرده ایم که سیاست تحریم اقتصادی، مستقل از

تاثیر آن بر موقعیت اقتصادی رژیم، نظر به اینکه دارای تاثیرات مخربی بر زندگی و حیات مردم دارد، باید لغو شود. ما در عین حال اعلام کرده ایم که حزب کمونیست کارگری یک حزب مدرن و پیشرو و امروزی در سنت کارگر صنعتی جهان غرب است. حزب ما نیرویی در اردوی بشریت مترقی در مقابل عقب ماندگی و تحجر و هر گونه نابرابری است. ما سیاست کور ضد آمریکایی گری نداریم. بر عکس در مقابل این سیاست ضد انسانی از دستاوردهای کارگر و بشریت متمدن در جهان غرب دفاع میکنیم. ما در عرصه بین المللی متحدین خود را در صفوف طبقه کارگر این جوامع و بشریت متمدن و صفوف آزادیخواهی و برابری طلبی جستجو میکنیم. نقطه اتکاء ما نیروهای آزادیخواه و نه دولتهای مرتجع این جوامع اند. *

فراخوان بازنشستگان به تجمع سراسری در مقابل مجلس اسلامی

بازنشستگان پیگیری خواستههایشان برای ساعت ده صبح روز ۵ اسفند ماه فراخوان به تجمع داده اند. این تجمع در مقابل مجلس اسلامی در تهران برپا خواهد شد و فراخوان آن از سوی گروههای "اتحاد سراسری بازنشستگان ایران"، "گروه ۱۹ اسفند"، "گروه پیشکسوتان پیشتاز حق طلب"، "شورای بازنشستگان ایران" و جمعی از باز نشستگان تامین اجتماعی داده شده است. قبل از این معلمان بازنشسته همراه با معلمان شاغل در

"کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد، اتحاد" عزم خود را برای مقابله با کل سیستم چپاول حاکم اعلام کردند. بازنشستگان با شعار "تا حق خود نگیریم، از پانمی نشینیم" بر پیگیری خواستههایشان تاکید دارند. حزب کمونیست کارگری بر حمایت وسیع همه مردم از خواستهها و مبارزات بازنشستگان تاکید میکند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ بهمن ۱۳۹۷، ۱۹ فوریه

تبعیضها و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات است. یکی از تجمعات با شکوه بازنشستگان در ۱۴ دیماه برگزار شد که در آن جمعیتی حدود سه هزار نفر گرد آمدند و با شعارهای چون "حکومت سرمایه دار مفتخور نمیخوایم"، "حکومت سرکوب زندان شلاق نمیخوایم"، "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی"، "حکومت فقر دزد و چپاول نمیخوایم"،

"توپ، تانک، مستند، دیگر اثر ندارد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی، معلم زندانی آزاد باید گردد" اعتراض خود را به بساط زندان و شکنجه اعلام کرده اند. خواستههای بازنشستگان افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۶ میلیونی، درمان رایگان برای همه، تحصیل رایگان برای تمام کودکان، رفع

۲۵ بهمن در شهرهای ارومیه، اردبیل، شیراز، مشهد، مریان، کرمانشاه و سنجند تجمع داشتند و در هجدهم بهمن نیز معلمان بازنشسته و شاغل در اصفهان تجمع کردند. یک شعار برجسته این اعتراضات علیه سرکوبگری های حکومت بوده است و بازنشستگان در تجمعاتشان با شعارهایی چون "شکنجه، مستند، دیگر اثر ندارد"،

پیش بسوی اعتراضات و اعتصابات سراسری!

از صفحه ۱

مظهري از توحش و بربريت، سرمايه داری حاکم است، جایگاه مهم تری پیدا میکند.

جنبش نوین آزادی زن در هشت مارس ۵۷ زاده شد و در ظهور دختران انقلاب بعد از خیزش دیمه ۹۶ بلوغش را به نمایش گذاشت. این جنبش طی ۴۰ سال جدال درخشانش هر روز گامی بیشتر به جلو برداشته و سنگرهای بسیاری را فتح کرده است. یک سنگر فتح شده آن نفی عملی حجاب در جنگی کوچک به کوچکی و خیابانی است که امروز با سر چوب کردن آن دارد کل بساط بردگی جنسی سرمایه داری حاکم را به چالش میکشد. کنار رفتن حجاب ها و پدیده بیحجابی در جامعه پیش از پیش شکست حکومت اسلامی در تحمیل این سبیل آپارتاید جنسی بر جامعه را به نمایش میگذارد.

و در کنار این پیشروی بزرگ، جنبش نوین آزادی زن سنگر به سنگر و با کارزارهای مبارزاتی اش که رکورد دارد، علیه کنار زدن قوانین ارتجاعی اسلامی جنگیده و هر روز بیشتر به جلو گام برداشته است. و این داستان ۴۰ سال نبرد جانانه زنان معترض و تمامی مردم آزادیخواه علیه کلیه قوانین ارتجاعی اسلامی علیه زن و علیه کرامت انسانی است. در این نبرد زنان و مردان آزادیخواه بسیاری با شهامت به میدان آمده و با زیر پا له کردن قوانین عهد حجری اسلامی بسیاری از خرافه های مذهبی، عرفی و قومی ارتجاعی را از سر راه زندگی خود عقب رانده اند.

یک نمونه بارز آن متداول شدن هر روز بیشتر ازدواج های سفید و انتخاب آزادانه

عشق و زندگی با میل و رضای دختر و پسر بدور از هر گونه خرافه و تقدیس خانواده است. روابطی انسانی و نوین که پدیده های ارتجاعی ای چون اجازه پدر و بزرگترها برای همسر گزینی زن، فروش زن در مقابل مهریه و جهیزیه، جاری شدن آیه ای قرآنی برای ابدی کردن پیوندی که بند و بست آن نفقه بگیری زن از مرد به اسم خانواده است، گذاشتن هفت خوان رستم برای جدایی و طلاق و حتی ملزم شمردن اجازه همسر برای سفر و اشتغال زن و ... همه و همه در آن پوچ شده و به هوا رفته است. در این ازدواجها حلقه پیوند زن و مرد نه اقتصاد مشترک خانواده و نفقه بگیری زن، بلکه عشق و محبت و آزادگی است و کودکان نیز در حلقه زیبای این عشق بزرگ میشوند و شکوفا میگردند. در این نبرد همچنین مردم آزادیخواه و در راس آن زنان شجاع با تلاش هر روزه خود علیه انواع و اقسام قوانین جداسازی جنسیتی و تحقیر و توهین سیستماتیک که در آنها جاریست، در دانشگاه و در محل کار، در اشتغال به کار و حفظ آن و در خانواده و در همه جا توانسته اند چهره جامعه را عوض کنند. در دل این نبرد است که زنان موفق شده اند بر ممنوعیت حضور زنان در استادیوم های ورزشی فائق بیایند و درب آنها را به روی خود بکشایند. و یا در صف ارکستر های موسیقی ظاهر شوند و یک پای پر و پا قرص موزیک زیر زمینی و خیابانی باشند. و هزاران مثال دیگر از همین دست را میتوان بر شمرد.

همچنین در دل این نبرد است که امروز زنان هر روز بیشتر در صف جلوی اعتراضات کل جامعه علیه کل

بساط سرمایه داری حاکم قرار گرفته و به عنوان رهبران و سخنگویان اعتراضات قد علم میکنند و با مبارزات درخشان خود رنگی زنانه به انقلاب ایران داده اند. هشت مارس روز جهانی زن، روز کیفرخواست این جنبش علیه ۴۰ سال سرکوب و جنایت در قبال جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زن در ایران است. ۸ مارس روزیست که به همت جنبش نوین زن در ایران میبخش کوبیده شد. هشت مارس را گرامی میدارم و این روز برجسته آزادیخواهی و برابری طلبی را به همگان شادباش میگویم.

چهره های درخشان امروز هشت مارس در ایران

چهره های برجسته امروز هشت مارس در ایران ویدا موحد و ویدا موحد های دیگری هستند که بر سکوی انقلاب رفتند و آزادگی و انسانیت را فریاد زدند. در همین راستا یک چهره درخشان هشت مارس امسال سپیده قلیان است. سپیده که در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت شده بود و در زندان زیر شکنجه و آزار قرار گرفت و وقتی آزاد شد کنار اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه ایستاد و از کیفرخواست او علیه شکنجه و زندان حمایت کرد. بعد نیز وقتی مستنند مفتضحانه "طراحی سوخته" را از صدا و سیما پخش کردند تا بخشی و به تبع آن قلیان را بشکنند، در ویدئوی چند دقیقه ای مستند واقعی را به جامعه ارائه داد و با پرده برداشتن از رفتار وحشیانه حکومت اسلامی با او بعنوان یک زن در زندان و قرار دادن وی زیر تهدیدات جنسیتی و به میان آوردن اتهامات اخلاقی برای

بسیج افکار بخش های عقب مانده جامعه علیه وی، عرصه جدیدی از مبارزه علیه آپارتاید جنسی حکومت اسلامی را در جنبش نوین زن گشود.

مثال دیگر از چنین زنانی گلرخ ایرایی است که بخاطر نوشتن داستان منتشر نشده ای در دفترچه شخصی اش تحت عنوان توهین به مقدسات به شش سال حبس محکوم شده است و در زندان بسر میرسد.

بر شمار این زنان پروین محمدی یکی از رهبران سرشناس کارگری را اضافه میکنم که در میان همه فعالیت های درخشانش در عرصه جنبش کارگری، نقش مهمی در به میدان آمدن خانواده های کارگری داشته و جنگ علیه سنت های عقب مانده ای که همواره از حضور زن در عرصه جامعه توسط حکومت بازتکثیر و تقویت میشود، بوده است. از جمله او همواره یار نزدیک خانواده های کارگران زندانی در مبارزات کارگری بوده است. یا چهره هایی چون مریم محمدی ها که سخنرانی های پرشورشان در هشت مارس ها در ایران شنیدنی است. بر این مجموعه همسر کارگری که در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه پشت تریبون قرار میگردد و همچون یک رهبر از ادامه تجمعات در

مقابل فرمانداری سخن میگوید تا زنان شجاعی که در سازماندهی شرکت وسیع خانواده ها در اعتراضات گروه ملی فولاد نقشی تاریخی داشتند و صدها و صدها نمونه دیگر را میشود نام برد. اینها همه چهره های شاخص هشت مارس روز جهانی زن هستند که جنبش نوین زن را متحول کرده اند. به همه اینان و همه زنان و آزادیخواه که در این نبرد میدانی جنگیدند و خسته نشدند، درود میگویم.

خلاصه کلام اینکه جایگاه امروز جنبش نوین زن، جلو آمدن صفی از رهبران رادیکال و چپ در صف جلوی این جنبش و اعتراضات کل جامعه علیه بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی، مکان هشت مارس امسال در ایران را آنهم بعد از ۴۰ سال توحش و جنایت حکومت اسلامی به روشنی نشان میدهد. هشت مارس امسال کیفرخواست علیه تمامی جنایاتی است که بر زنان و بر کل جامعه رفته است با بر زمین زدن حجابها، کیفرخواست خود را اعلام میکنیم. جمهوری اسلامی با تمامی قوانین ارتجاعی اسلامی ضد زن و کل بساط سرکوب و جنایتش باید برود.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

براند. در برابر گستاخی حکومت اسلامی سرمایه داران باید فعالانه از جنبش دفاع از اسماعیل بخشی و کارگران نیشکر هفت تپه و جنبش شورایی دفاع کنیم.

حزب کمونیست کارگری ادامه بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و رفتار وحشیانه روز گذشته اطلاعات شوش با خانواده وی و صدور دستور بازداشت مادر بخشی را شدید محکوم کرده و بار دیگر حمایت قاطع خود را از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و کیفرخواست آنان علیه شکنجه و زندان اعلام میکند. اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، پروین محمدی، بهنام ابراهیم زاده، معلم زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ بهمن ۱۳۹۷، ۱۹ فوریه ۲۰۱۹

اعتراض مقابل دادگستری شوش در دفاع از اسماعیل بخشی



روز گذشته دوشنبه ۲۹ بهمن خانواده اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه همراه با جمعی از کارگران این مجتمع در اعتراض به ادامه بازداشت او در مقابل دادگستری شوش تجمع کردند. شرکت کنندگان در این تجمع با در دست گرفتن عکس اسماعیل بخشی و دست نوشته هایی که بر روی آنها نوشته شده بود "اسماعیل بخشی آزاد باید گردد" خواستار آزادی فوری وی از زندان شدند. این تجمع در عکس العمل به رفتار وحشیانه اطلاعات شوش با خانواده اسماعیل بخشی در روز قبل از آن و درگیر شدن با آنان و دستور بازداشت مادر بخشی از سوی رئیس اداره اطلاعات شوش انجام گرفت. برای امروز ۳۰ بهمن نیز جمعی فراخوان داده شده است.

حکومت منفور اسلامی با دستگیری اسماعیل بخشی و بی خبر گذاشتن خانواده او و کارگران از وضعیت وی، تنها وحشت خود را از اسماعیل

بخشی و محبوبیت اجتماعی او به نمایش میگذارد. اسماعیل بخشی در قلب همه کارگران و مردم جای دارد و تعرض به او و خانواده اش نفرت و خشم همه کارگران و مردم از این حکومت را بیشتر و بیشتر گسترش خواهد داد. گناه اسماعیل بخشی اینست که از حقوق بدیهی و پایه ای کارگران دفاع کرده و به همراه کارگران نیشکر هفت تپه در

مردم کردستان از تجمعات اعتراضی کارگران شهرداری ها حمایت کنید! کارگران شهرداری ها شایسته زندگی انسان امروزی هستند.

امروز با بالاترین استانداردها هستید. عقب نشینی و باور به وعده های پوچ شهرداری ها جایز نیست.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مردم شهر سروآباد را به حمایت و پیوستن به اعتراضات کارگران شهرداری فرامیخواند!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ بهمن ۱۳۹۷
۱۷ فوریه ۲۰۱۹

کردند. یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: دستمزد ما در ۷ ماه گذشته پرداخت نشده و در شرایط فعلی که در آستانه سال نو قرار داریم، نگران افزایش معوقات مزدی و تامین هزینه های زندگی خود هستیم. مسئولان شهری در آخرین روز از تجمع کارگران که هفته گذشته انجام شد، با پرداخت حداقل یک میلیون تومان به هریک از کارگران وعده پرداخت بخشی دیگر از مطالباتمان را دادند و اعتراض کارگران را موقتا خاتمه دادند. کارگران میگویند؛ حدود ۵ روز از وعده مسئولان شهر سروآباد برای پرداخت حداقل بخش از مطالباتمان می گذرد. کارگران شهرداری سروآباد! وعده های پوچ مسئولین مزدور شهرداری ها را باور نکنید. اعتراضات شما با پیگیری و تداوم مبارزه تا گرفتن حقوق هایتان باید ادامه داشته باشد. شما شایسته زندگی انسانی انسان

۷ بهمن ۹۷ جمعی از کارگران شهرداری سروآباد در اعتراض پرداخت نشدن هفت ماه حقوق شان در مقابل ساختمان شهرداری در این شهر تجمع کردند. سه روز از اعتراض کارگران شهرداری سروآباد می گذرد هنوز منتظرند تا مسئولان شهری در خصوص پرداخت مطالبات مزدی آنها کاری انجام دهند. این کارگران که تعدادشان ۴۷ نفر است، در ادامه تجمع اعتراضی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته، (۲۷ بهمن ماه) نیز در مقابل ساختمان شهرداری تجمع

آزادی برابری حکومت کارگری

جعفر عظیم زاده و پروین محمدی در زندان اوین بسر میبرند

رهبران کارگری را آزاد کنید



جعفر عظیم زاده و پروین محمدی از رهبران جنبش کارگری
باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند



کارگران ایران برای افزایش حداقل دستمزد؛ مصاحبه با رسانه‌های خارج از ایران؛ مشارکت در تأسیس اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ شرکت در تظاهرات روز کارگر در سال ۸۸ در پارک لاله تهران و دیگر تظاهرات مسالمت‌آمیز مقابل ساختمان مجلس و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران؛ ملاقات با انجمن‌ها و نهادهای صنفی از جمله سندیکای کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه و سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه . پروین محمدی با اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی دستگیر و در بازداشت بسر میبرد. اشاره

بدنبال پیگیری‌های خانواده و کارزاری گسترده در حمایت از کارگران زندانی انجام گرفت. پروین محمدی هم اکنون در زندان اوین بسر میبرد. جعفر عظیم‌زاده در فروردین ۹۴ توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب در تهران به اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور" و "تبلیغ علیه نظام" به ۶ سال زندان و دو سال محرومیت از عضویت در احزاب، گروه‌های سیاسی و فعالیت در مدیای اجتماعی و رسانه‌ها و مطبوعات محکوم شد. مصادیق این اتهامات موارد زیر اعلام شده بودند: همکاری در تهیه و تبلیغ طومار چهل هزار نفری

جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران و پروین محمدی نایب رئیس این اتحادیه، دو چهره سرشناس جنبش کارگری در نهم بهمن ماه بازداشت شدند. جعفر عظیم زاده با حکم ۶ سال حبس به زندان اوین منتقل شده است. برای پروین محمدی قرار بازداشت موقت یکماهه صادر شده است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی محمد علی جداری فروغی پروین محمدی امروز دوم اسفند ماه بعد از هجده روز بیخبری و حبس در انفرادی بند ۲۰۹ و ممنوع الملاقات بودن توانست با خواهرش خانم مریم محمدی ملاقات داشته باشد. این ملاقات طی روزهای ۲۵ و ۲۶ بهمن کارگران راه آهن در شهرهای مرن، تبریز، جلفا و عجب شیر آذربایجان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیدند. در این اعتصاب بیش از ۶۰۰ نفر از کارگران

این حکم به مبارزات جانانه پروین محمدی در دفاع از حقوق کارگران و برای داشتن یک زندگی انسانی است. هم اکنون پتیشنی در اعتراض به دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی به راه افتاده است که بسیاری آنرا امضا کرده اند. همچنین نهادهای مختلف کارگری طی بیانیه‌هایی دستگیری جعفر عظیم زاده و پروین محمدی را محکوم کرده اند. عفو بین الملل نیز با اعلام کارزاری همبستگی خود را با پروین محمدی، جعفر عظیم زاده و تمامی کارگران بازداشتی از جمله اسماعیل بخشی، سپیده قلیان که در جریان اعتراضات هفت تپه بازداشت شده، بهنام ابراهیم زاده و معلمان زندانی و دیگر دستگیرشدگان اعلام داشته است. این کارزار از سوی فدراسیون‌های بزرگ کارگری در سطح جهانی نیز حمایت و پشتیبانی شده است. وسیعا به این کارزارها بیپوندیم و صدای اعتراض کارگران در سطح جهان باشیم.

جعفر عظیم زاده و پروین محمدی همچون اسماعیل بخشی از رهبران محبوب کارگران نیشکر هفت تپه و سپیده قلیان، بهنام ابراهیم زاده، آتنا دائمی، معلمان زندانی و تمامی فعالین سیاسی تحت عنوان اتهامات امنیتی همچون "اخلال در نظم و امنیت ملی"، "تبلیغ علیه نظام"، "نشر اکاذیب" و نمونه‌هایی از این دست

دستگیر و زندانی شده اند. مصداق واقعی اتهامات امنیتی برهم خوردن امنیت سرمایه داران دزد و مفتخور حاکم است. جرم همه اینها دفاع از حقوق پایه ای و بدیهی کارگران و حقوق انسانها و مبارزه برای داشتن یک زندگی انسانی برای همه مردم است. جرم اینها دفاع از آزادیخواهی و اعتراض علیه زندان و شکنجه است. وسیعا به کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات بیپوندیم و همبستگی خود را از کیفرخواست اسماعیل بخشی و سپیده قلیان علیه شکنجه و زندان اعلام کنیم.

جمهوری اسلامی در هراس از سر بلند جنبش قدرتمند کارگری و فضای پر تلاطم جامعه بر احضارها و دستگیری‌ها شدت داده است. این تهاجم حکومت را با گسترش اعتراضات در سطحی سراسری میتوان و باید عقب راند. تمامی کارگران زندانی، معلمان بازداشتی و فعالین اجتماعی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. تمامی احکامی امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان معترض و تمامی فعالین سیاسی باید لغو شود.

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gm
ail.com

http://free-them-
now.com

۲ اسفند ۱۳۹۷، ۲۱ فوریه
۲۰۱۹

اعتصاب کارگران راه آهن در چندین شهر در آذربایجان

راه‌آهن که بطور عمده به واسطه شرکت‌های پیمانکاری در راه‌آهن کار می‌کنند مدام با بالا کشیدن دستمزدها توسط کارفرما روبرو میشوند. کارگران اعلام کرده اند که تا پرداخت کامل طلبها و صفحه ۳

شرکت گسترش دریافت نکرده اند. خبرها همچنین از عدم پرداخت ماهها دستمزد کارگران راه‌آهن لرستان حکایت میکند. کارگران

بهمن به این اعتصاب پیوستند. کارگران راه آهن در شهرهای آذربایجان از آذر ماه مزد و حق اضافه کاری و حق ماموریت خود را از

شرکت دارند. اعتصاب کارگران راه آهن تبریز و عجبشیر از ۲۳ بهمن آغاز شده بود و کارگران جلفا و مرن در روزهای ۲۵ و ۲۶

طی روزهای ۲۵ و ۲۶ بهمن کارگران راه آهن در شهرهای مرن، تبریز، جلفا و عجب شیر آذربایجان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیدند. در این اعتصاب بیش از ۶۰۰ نفر از کارگران

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن! گسترده تر باد مبارزه علیه حجاب و تبعیض و زن ستیزی! گرامی باد چهل سال نبرد شورانگیز زنان علیه جمهوری

قدم علم کرده که امروز عملاً توسط سرمایه داری و دولتهایش تداوم می یابد.

حزب کمونیست کارگری فرا رسیدن ۸ مارس روز جهانی زن را به همه زنان ایران و جهان تبریک میگوید و بازو در بازوی همه فعالین جنبش آزادی زن به استقبال این روز میروند و در بزرگداشت هرچه با شکوهرتر آن میکوشد.

**زنده باد آزادی و برابری
آزادی زن، آزادی جامعه
سرنگون باد جمهوری
اسلامی
زنده باد جمهوری
سوسیالیستی!**

**حزب کمونیست کارگری
ایران
۱۶ بهمن ۱۳۹۷، ۵ فوریه
۲۰۱۹**

گرامی بدارند. این روزی است که باید حجاب ها را بر چوب کرد و زیر پا کوبید، روزی است که قوانین و مقررات و فرهنگ زن ستیز و ضد بشری جمهوری اسلامی را به چالش کشید و به تحقیر و نابرابری و خشونت جنسیتی اعتراض کرد. این روزی است تا اتحاد صفوف خود را برای پایان دادن کامل به حجاب و تبعیض و زن ستیزی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری تحکیم بخشیم. شکی نیست که هر پیشروی زنان ایران علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی دستاوردی برای تمام زنان جهان و بویژه در کشورهای اسلام زده است. جنبش رهایی زن در ایران بخش رادیکال و پیشتاز جنبش نوین رهایی زن در جهان است که علیه نابرابری و تبعیض و بردگی جنسی ای

شد به شعور سیاسی بخش های هرچه وسیعتری از جامعه تبدیل میشود. دیگر بر همه مشهود است "انقلابی که در ایران شکل میگیرد رنگی زنانه دارد".

امسال ۸ مارس روز جهانی زن، برابر با ۱۷ اسفند ۹۷، فرصتی است تا این چهل سال مبارزه قهرمانانه زنان علیه جمهوری اسلامی و نه به اسلام سیاسی را به اشکال گوناگون گرامی داشت؛ و از این فرصت استفاده کرد تا مبارزه برای رهایی جامعه از شر رژیم اسلامی و زن ستیز را گامی دیگر به جلو راند. ما همه مردم ایران را دعوت میکنیم تا روز جهانی زن را در اجتماعات و گردهمایی خود، در محیط کار و تحصیل، در خیابان و محله و در فضای مجازی و بیابانه ها و اعلامیه به گرمی جشن بگیرند و

به هر عرصه زندگی و اعتراض اجتماعی که نگاه کنید، از محیط خانواده و مدرسه و دانشگاه تا تشکیل سازمانهای مردم نهاد علیه مصائب اجتماعی تا حمایت از حیوانات و جنبش حفظ محیط زیست، از موسیقی و فیلم و ادبیات تا ورزش و فعالیت های علمی، از نبرد هرروزه علیه حجاب در خیابانها تا مبارزه علیه جداسازی جنسیتی در دانشگاه و ورزشگاه، از اعتراض به زندان و اعدام و شکنجه گرفته تا مقابله با فرهنگ منحن مردسالار و ارتجاعی، در همه جا زنان در صف مقدم ایستاده اند. اکنون نه فقط جمهوری اسلامی و حجاب و زن ستیزی اش قدم به قدم به عقب رانده میشود بلکه شعار "آزادی زن، آزادی جامعه" که اول بار در تظاهرات ۸ مارس ۵۷ طرح

جنبش رهایی زن از همان ابتدا قاطعانه علیه جمهوری اسلامی ایستاد و اکنون نیز در صف اول جنبش انقلابی مردم ایران علیه رژیم اسلامی و برای آزادی و برابری قرار دارد. از تظاهرات علیه حجاب در ۸ مارس ۷۹ (۱۷ اسفند ۵۷) تا ایفای نقش پیشتاز در تظاهرات های ۸۸، از شرکت فعال زنان در خیزش انقلابی دی ماه ۹۶ تا برچوب کردن حجاب - این رکن اقتدار و هویت رژیم اسلامی - توسط دختران خیابان انقلاب، و تا نقش برجسته زنان در اعتصابات و تظاهرات های اخیر کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و رانندگان کامیون و مالباختگان، همه و همه جلوه هایی از حضور قدرتمند زنان در مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و برای برپایی یک دنیای بهتر است.

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن!



برنامه شامل:

- کلیپ کوتاهی از مبارزات زنان
- سخنرانی: شیوا محبوبی
- موزیک زنده از گروه هنری کاروان با مسئولیت فریبرز کریمی
- سپس DJ مرغان به همراه عزیزان شرکت کننده برنامه را تا پاسی از شب ادامه فواهر رار.

یوتیوبی (سوئد)

شنبه - ۹ مارس ۲۰۱۹، از ساعت ۷ عصر
محل: Folkets Hus Hammarkullen
یا اسپورهای ۴، ۸ و ۹ پطرف Angered

غذا و نوشیدنی در محل موجود است.
ورودی ۵۰ کرون
ورودی برای پناهجویان رایگان است.

روز و ساعت این برنامه را بخاطر بسیاری دوستانتان را نیز به این برنامه دعوت کنید.
تلفن تماس، عبدالله اسدی ۱۳۸۱۹۷۳۷۱ (۰) ۴۶
حزب کمونیست کارگری ایران، تشکیلات کوتنبرگ

زنده باد بی حجابی!

حجاب اسلامی سند بردگی زن، سند نابرابر بودن زنان و مردان، سند تحقیر و به بند کشیدن زنان و کل جامعه است. پارچه سیاهی است که روی انسانیت زنان میکشند تا نه تنها زنان که کل جامعه را به بند کشند. زمان آن فرا رسیده است که حجاب، این نماد بیحقوقی کل جامعه، را عملاً ملغی کنیم، بی حجابی را باز هم گسترش دهیم و هر چه وسیعتر در کوچه و خیابان و تجمعات عمومی، در مدرسه و دانشگاه، در کارخانه و ادارت و محل کار و در وسائل نقلیه عمومی و خصوصی بدون حجاب ظاهر شویم و آخرین تلاش ها و مقاومت های جمهوری اسلامی برای حفظ حجاب را درهم شکنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ بهمن ۱۳۹۷، ۶ فوریه ۲۰۱۹



به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید

کشور دیگر:
انگلیس:
England
Account
nr. 45477981
sort code: 60-24-
23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK
6024 2345477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با
آدرس های زیر تماس
بگیرید:

سیامک بهاری:
۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
markazi.wpi@gmail.com

از ایران:
تماس با حزب کمونیست
کارگری:

از طریق واتس
آپ و ایمو:
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

آدرس تماس در کانادا:
بابک یزدی
۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸
babakyazdi2@gmail.com

حزب کمونیست کارگری
برای تامین هزینه های ویژه
ای که در این دوره با آنها
مواجه است، به حداقل ۵۰
هزار یورو نیاز دارد. کلیه
اعضا و دوستان حزب و
همه کسانی را که قلبشان
برای آزادی از شر حکومت
اسلامی و نظام گنبدیده آن
میتپد فرا میخوانیم که به این
فراخوان جواب مثبت بدهند
و حزب را یاری دهند.

کمک های خود را
میتوانید به یکی از شماره
های زیر واریز کنید و یا از
طریق تماس با واحدهای
حزب کمک خودتان را به
حزب برسانید.

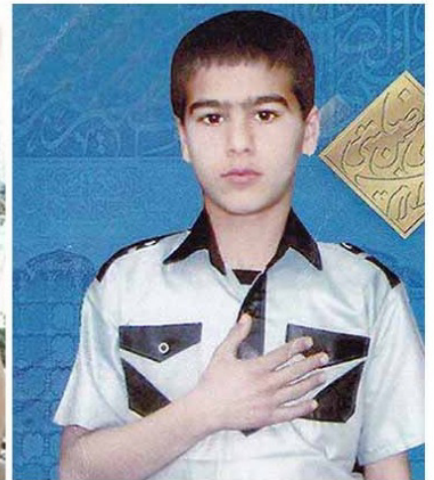
شماره حساب و آدرس
های تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60
-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
M. Eli
Commerzbank
Kontonr:
727634800
BLZ: 60040071
IBAN:
DE8460040071072763
4800
BIC/SWIFT:
COBADEFFXXX

شماره حساب انگلیس
ویژه کمک از انگلیس و از هر

خطر اعدام دو جوان که در سن زیر ۱۸ محکوم به اعدام شده اند!



سمت راست محمد کلهر و سمت چپ شایان سعیدپور دو جوان زیر ۱۸ سال محکوم به اعدام

زیر سن متهم به انجام جرمی شده اند
کراهت و ضد انسانی بودن این به اصطلاح
مجازات را نشان می دهد. بویژه اینکه این
کودکان در زمان انجام جرم از اختلالات روانی
رنج می برده اند. جمهوری اسلامی مسئول
وضعی است که در آن کودکان از امکانات ایمن
برای رشد و تعالی برخوردار نیستند و دچار
ناهنجاری های اجتماعی می شوند. رژیم می که
نمی خواهد مسئولیت خود را در قبال ایجاد
این وضع ببذیرد می خواهد با اعدام صورت
مسئله واقعی را پاک کند.

ما از خانواده های این دو جوان و یا هر
کس دیگری که با این خانواده آشنایی دارد می
خواهیم که با ما تماس بگیرند تا بتوانم در
همراهی با هم کمک بیشتری برای نجات آنها
انجام دهیم. کمیته بین المللی علیه اعدام
همگان را فرامی خواند که به این احکام ضد
انسانی به هر شکل ممکن اعتراض کنند و
نگذارند جان این دو جوان توسط چوبه های دار
جمهوری اسلامی گرفته شود.

برای تماس با ما از این شماره تلفن استفاده
کنید. ما در واتز آپ نیز در دسترس هستیم.

هرمز رها - 0046737896505

کمیته بین المللی

علیه اعدام

۳۰ بهمن ۱۳۹۷

۱۹ فوریه ۲۰۱۹

دو جوان به نامهای محمد کلهر و شایان
سعیدپور که هر دو در زمان محکومیت به اعدام
به اتهام قتل کمتر از هجده سال داشته اند، در
معرض خطر اعدام قرار دارند.

محمد کلهر که متهم است در سن پانزده
سالگی فردی را به قتل رسیده است در زندان
بروجرد بسر می برد و مقامات زندان به خانواده
وی گفته اند که حکم او به زودی اجرا می
شود. این در حالیست که براساس گزارش
پزشکی قانونی، محمد کلهر دچار اختلال عقلی
است و کمیسیون پزشکی هم این موضوع را
تأیید کرده است.

شایان سعیدپور یکی دیگر از جوانان زیر ۱۸
سال محکوم به اعدام است که انتقال وی از
زندان سنندج به زندان سقز باعث ایجاد نگرانی
در اجرای زود هنگام حکم وی شده است.

شایان متولد ۳۰ شهریور ۱۳۷۶ و اهل شهر
سقز در زمانی که کمتر از ۱۸ سال داشت، به
اتهام قتل فردی در جریان یک درگیری
بازداشت و در آبان ماه ۱۳۹۷، به اعدام محکوم
شده است.

براساس گزارشات متعدد شایان سعیدپور
پیش از ارتکاب به جرم تحت نظر روانپزشک
بوده است.

بنا به گفته یکی از نزدیکان وی «شایان از سال
۱۳۹۳، تحت مراقبتهای پزشکی بوده است و در
مواردی نیز اقدام به خودکشی کرده بود.»

کمیته بین المللی علیه اعتراض شدید خود
را به صدور احکام اعدام برای این دو جوان
اعلام می دارد و خواهان متوقف شدن فوری
اجرای این احکام است. اعدام کودکانی که در

به حزب
کمونیست
کارگری ایران
بپیوندید!

روز اعتراض سراسری دفاع از آزادی کارگران دستگیر شده، معلمان و زندانیان سیاسی و در محکومیت جنایات رژیم



- **فرانکفورت: شنبه - ۲۳ فوریه** از ساعت ۲ بعد از ظهر - متنیگ در مرکز شهر مقابل ساختمان An der Hauptwache
- **کلن: شنبه - ۲۳ فوریه** از ساعت ۲:۳۰ تا ۵ بعد از ظهر - تجمع اعتراضی در مرکز شهر (Domloster, Blaue Gold Haus)
- **استکهلم: شنبه - ۲۳ فوریه** از ساعت ۲ بعد از ظهر - میدان سرگل (Sergelstorg)
- **تورنتو: شنبه - ۲۳ فوریه** از ساعت ۴ بعد از ظهر - پلازای ایرانیان

کارگر زندانی، معلم زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

در دفاع از مبارزات کارگران و معلمان و برای آزادی
زندانیان سیاسی ۷ علیه حکومت شکنجه و سرکوب
اسلامی به این تجمعات بپیوندید.